

گزارشی کوتاه از خشونت ماموران شهرداری با کودکان کار

تکرار یک ماجرا؛ این بار در دناک تر

سوال مهمی که در هنگام تماشای گزارش مستند «عصر ایران» ذهن ما را درگیر می کند این است که آیا از «بالا» به ماموران شهرداری دستور داده شده با این کودکان چنین برخوردی بکنند؛ آنان را کتک بزنند و به آنان تجاوز کنند؟ و اگر نه، این ماموران چرا با کودکان کار چنین برخوردی دارند؟ اینان آیا اجازه می دهند دیگران با فرزندان شان چنین کنند؟



آذر فخری، روزنامه نگار

خیلی ز رنگاند و با انواع چم و خم های خلافتکاری های مرسوم و غیر مرسوم آشنا هستند. اما اگر بتوانیم برای لحظه ای خود را از این پیشداوری هایی که ممکن است انواع رسانه ها حتی مسئولین توی سرمان کرده باشند خلاص کنیم و سعی کنیم واقعیت وجودی این بچه ها را تماشا کنیم و پای صحبت های شان بنشینیم، خواهیم دید که در بسیاری موارد این مائیم که اشتباه می کنیم. ما این بچه ها را جزو جامعه خود، هم شهری و هم وطن خود نمی دانیم. نه فقط ما، که حتی برخی مسئولین و مثلاً یک نماینده مجلس گفته است این بچه ها بیشتر مهاجرند و ایرانی نیستند و این یعنی یا انکار واقعیت یا ندیدن حقیقت.

همه این مواردی که به ذهن ما خاطور می کند همگی در ستانند و هم گاهی غلط. اما مناسفانه در بسیاری از موارد با یک یا چند پیشداوری غلط و اشتباه با این بچه ها برخورد می کنیم؛ ما آن ها را مجرم می بینیم، مطمئنیم که آن ها به یک بیماری خاص مبتلاند. بقیه داریم که هیچ خانواده ای ندارند و در لابه لای باندهای خلافتکاری می لولند و

چگونه به انحاء مختلف درون شهرداری، یا در محلی که نمی دانند کجاست اما خیلی دور است، وادار شده اند لباس خود را در بیورند و یا مورد تعرض جنسی قرار گرفته اند. دختر بچه هایی که به این شکل مورد آزار و اذیت واقع شده اند، می گویند تا مدت ها نتوانسته اند برای کار به خیابان بروند زیرا می ترسیده اند این اتفاق دوباره برای شان تکرار شود.

نه بی خانواده، نه خارجی
این بچه ها آن چنان که در موردشان شایع است، از زیر پت به عمل نیامده اند. اغلب آنان خانواده دارند؛ هم پدر و مادر و هم خواهر و برادر و در جایی در همین شهر، حاشیه یا غیر حاشیه زندگی می کنند. خانواده هایی که به خاطر بی حاصل شدن زمین های کشاورزی شان، به خاطر از دست دادن کار پدرشان ناچار از ترک شهر و دیار و روستای شان به خصوص در مناطق جنوبی کشور، شده اند و به شهرهای بزرگ پناه آورده اند و از آن جا که زندگی در شهرهای بزرگ گران است، حالا همه خانواده برای تامین معاش ناچارند کار کنند و چون گاه مهارت خاصی هم ندارند مشغول دستفروشی و مشاغل کاذب مختلف می شوند. این واقعیت دارد که پدر اغلب این خانواده ها و گاه حتی مادر هادرگیر اعتیاد می شوند و فاجعه از همین جاشد می گیرد؛ حالا این بچه ها هستند که بار کل خانواده را باید بر دوش بکشند و طبیعی است که دیگر کنترل و نظارتی بر رفت و آمد و

فقط ۳۰۰ هزار تومان دریافت می کنند. این کارها محیط غیراستاندارد و شدیداً آسبیزا دارند. صدای بسیار بلند دستنگاه، خطر قطع عضو، هوای آلوده و تنبیه شدید فیزیکی صاحبکار در تمامی کارگاهها رایج است. کودکان زباله گرد بدون دستکش سر در سطل های زباله دارند. آن ها به دلیل انجام این گونه اقدامات در معرض ابتلا به ایدز، هیپاتیت، کزاز، حصبه، سالک پوستی، انگل های رودهای، اسپهال خونی، فلج اطفال، زانو درد و کمردرد هستند.» رئیس کمیته اجتماعی شورای شهر طرح جمع آوری کودکان کار و خیابان را پاک کردن صورت مسئله می داند، روندی که شهرداری باشدت و خشونت در پیش گرفته است: «از بیست سال پیش تا کنون، تعداد دوره های جمع آوری کودکان از خیابان ها و معابر از سی بار هم گذشته است. با این حال نه تنها مسئله حل نشده بلکه رو به افزایش است. فخری اشاره می کند که: «طی بررسی های صورت گرفته مناطق ۲۰- ۱۹- ۱۸- ۱۷- ۱۵- ۱۴- ۱۳- ۱۲- ۱۱- ۱۰- ۹- ۸- ۷- ۶- ۵- ۴- ۳- ۲- ۱ مناطق دارای تعداد بیشتری از کودکان خیابانی هستند. اما نکته این جاست که آیا تنها متولی رسیدگی به کودکان خیابانی شهرداری و بهزیستی است؟»

پس هم شهرداری و هم بهزیستی! با توجه به سخنان الهام فخری متوجه می شویم که مسئول مستقیم ساماندهی کودکان کار، شهرداری و بهزیستی هستند. هم چنین طبق اعلام معاونت حقوقی و امور مجلس وزیر دادگستری علاوه بر شهرداری و بهزیستی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز باید پیگیر امور شغلی کودکان بی سرپرست و خیابانی درگیر کار باشد. به این ترتیب، این کودکان، متولیان قدرتمندی دارند که البته در مورد وظایف خود نسبت به این کودکان، به شدت اهمال کار، بی توجه و حتی بی تفاوت هستند. در بازه های زمانی خاص، تنها کار مهمی که انجام می دهند، به خصوص ماموران شهرداری، جمع آوری خشونت آمیز آنان از سطح شهر است. در عین حال گزارش هایی هم از سازمان بهزیستی می رسد که به دلیل رفتار خشن و ناسالم در محیط نگهداری این کودکان، اغلب کودکان از محل های نگهداری سازمان بهزیستی فرار می کنند و کوچه و خیابان را ترجیح می دهند!

جوابیه شهرداری تهران
شهرداری تهران در واکنش به گزارش «فشاگری کودکان کار از ضرب و شتم ماموران پیمانکار شهرداری تهران (فیلم)» جوابیه ارسال کرده است. به گزارش عصر ایران، متن جوابیه به این شرح زیر است: «پرو گزارش تصویری سایت عصر ایران با عنوان

الهام فخری عضو شورای شهر تهران: «۶۰ درصد از کودکان خیابانی نه به دلیل نابسامانی وضعیت خانوادگی بلکه به دلیل فقر اقتصادی بایبکاری و اعتیاد، بدسرپرستی و ناآگاهی والدین راهی خیابان های می شوند.»

«فشاگری کودکان کار از ضرب و شتم برخی از ماموران پیمانکار شهرداری تهران» مرکز ارتباطات و امور بین الملل شهرداری تهران اعلام می دارد: سیاست های شهرداری تهران و شورای اسلامی تهران، ری و شمیران در این دوره مدیریت شهری در خصوص نحوه مواجهه با مسئله کودکان کار (با در نظر گرفتن این نکته که این نهاد عمومی تنها متولی و مسئول رسیدگی به این مسئله نبوده و سایر دستگاه ها و نهادهای مسئول نیز می بایست با حساسیت بیش از پیش نقش خود را در این مهم ایفا نمایند) این است که با ایجاد زمینه مشارکت و استفاده حداکثری از ظرفیت های سازمان های مردم نهاد و وظیفه خود را در مدیریت و کنترل این مسئله اجتماعی انجام دهد و به همین خاطر هیچ گاه به طور مستقیم به این مسئله ورود نداشته و طبق قانون تنها به ایجاد امکانات و زیرساخت های مناسب جهت بهره برداری و ارتقای کیفیت خدمات سمن های فعال در این حوزه پرداخته است. ... شهرداری تهران در راستای ایفای نقش مسئولیت های اجتماعی خود نسبت به پایش سلامت این کودکان اقدام کرده و به تبع آن خدمات گسترده ای را جهت بهبود سلامت جسمی و روانی آنان به عمل آورده است. ... ضمن استقبال از حساسیت رسانه های متعدد در خصوص مسئله کودکان کار، همان طور که در گزارش بیان می شود اسامی افراد مختلف نزد آن رسانه محفوظ است، شهرداری تهران... آمادگی دارد تا با دریافت گزارش تکمیلی به همراه اسامی افراد مذکور با پیگیری ویژه نسبت به بررسی موضوع اقدام نماید و در صورت صحت ادعای مطرح شده بر خورد قاطع و جدی با متخلفین اعم از کارکنان و یا پیمانکاران نماید و شهروندان را نیز از نتایج آن مطلع سازد.»

«ناگفته پیداست که شهرداری باه میان کشیدن پای سمن ها- سازمان های مردم نهاد در زمینه ساماندهی کودکان کار- سعی در سبک کردن مسئولیت خود و واسپاری آن به دیگران است؛ مسئله ای که در هر حال، کوتاهی ها و تخلف های این سازمان را تحت هیچ بهانه ای توجیه نمی کند.

از گوشه و کنار

بازدید شبانه از نقاط آسیب خیز سطح شهر تهران



معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران به همراه تمامی مدیران ستادی این معاونت، در ۴ تیم از سطح شهر تهران بازدید کردند.

ولی الله شجاع پوریان ضمن بازدید میدانی شبانه از محله هرندی، از نزدیک آسیب های اجتماعی این محله را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. شجاع پوریان و تیم همراه در محدوده میدان شوش حضور یافتند و از آسیب های اجتماعی محله هرندی و از نزدیک وضعیت آسیب های اجتماعی این محله را با حضور کارشناسان مربوطه ارزیابی کرد.

همچنین تیم دیگری متشکل از ابوالفضل رفیع مدیر کل فرهنگی، سید رحیم ابوالحسنی مدیر کل مطالعات و جعفر رحمان زاده مدیر عامل شرکت توسعه فضاهای فرهنگی در مناطق ۵ و ۲۲ حضور یافتند و از زیرساخت های خدمات اجتماعی و شادستان این مناطق دیدن کردند.

مرتضی توکلی مدیر کل آموزش و مشارکت های اجتماعی و گروه همراه نیز ضمن حضور در برج میلاد به بازدید از برنامه های شب استان ها و شب فرهنگی کرمانشاه پرداختند. لازم به ذکر است، برای دستور شجاع پوریان، مقرر شد گزارش بازدیدهای صورت گرفته بررسی و در قالب مصوبات به حوزه های مربوطه جهت اقدام و رفع کاستی های موجود ارجاع شود.

رئیس اورژانس اجتماعی: ۹۵ درصد خشونت های خانگی از طرف مردان است



رئیس اورژانس اجتماعی کشور با بیان این که خشونت خانگی رتبه دوم را پس از کودک آزاری دارد، گفت در تماس هایی که با اورژانس اجتماعی صورت می گیرد ۹۰ تا ۹۵ درصد خشونت از طریق مردان به زنان است.

رضا جعفری درباره خشونت علیه زنان اظهار کرد: آمار نشان می دهد خشونت خانگی رتبه دوم پس از کودک آزاری را در کشور دارد و در دنیا هم از هر ۴ زن یک زن در معرض خشونت است.

رئیس اورژانس اجتماعی کشور با بیان این که خشونت علیه زنان در کشور ما دلایل گوناگونی دارد، گفت: یک دلیل آن نابرابری قدرت در جامعه است. در حوزه شغلی، تحصیلی و قدرت نابرابری وجود دارد. بخشی از آن هم به دلیل نابرابری فرهنگی است. در جامعه سنتی که مرد سالاری حاکم است باورهای فرهنگی غلطی درباره زنان وجود دارد. وی درباره میزان تماس ها با اورژانس اجتماعی در زمینه خشونت و همسر آزاری گفت: در تماس هایی که داریم، همسر آزاری از سوی مردان به زنان است و ۹۰ تا ۹۵ درصد خشونت از طریق مردان به زنان است. خشونت از زنان به مردان واکنشی است و بیشتر تلاقی جویانه و دفاع از خود است. البته این موضوع در همه جای دنیا نیز همین گونه است و نباید فراموش کرد که بسیاری از خشونت ها گزارش نمی شود.

در جهت دوست یابی دخیل هستند. تأمین اینگونه نیازها در سلامت فردی و اجتماعی جوان تأثیر شگرفی دارد و محیط خانوادگی گرم و آراضا کنند، به امکان جنگ و تعارض تبدیل می شود. بر اساس پژوهش ها و تحقیقات روانشناسی می توان گفت هر چقدر سن فرزندان افزایش یابد و بزرگتر شوند، نیاز به برقراری ارتباط با والدین در آنان بیشتر دیده می شود؛ اگر والدین به یک زبان مشترک برای درک و تعامل با فرزندان شان نرسند، قطعاً تنش گروه همسالان برای فرزندان شان پررنگ تر خواهد شد. والدین با توجه به فضای مدرن زندگی و سرعت رشد تکنولوژی های جدید مانند اینترنت، ماهواره و فضای مجازی باید تلاش کنند خود را با شرایط جدید تطبیق دهند. کلید راه سلامت بنیان خانواده های امروزی آن است که دنیای جوانان را بفهمند و تفاوت هایشان را ببینند. به عنوان نکته پایانی خطاب به والدین تأکید می شود برای آنکه مسیر فرزندپروری را راحت تر و هموارتر بسپری کنند، بهتر است از مشورت با کارشناسان روانشناس غافل نشوند تا به این ترتیب بتوانند سرمایه های اجتماعی ارزشمندی را تربیت نمایند.

هر گونه اختلال در نقش و کارکردهای اعضای خانواده قطعاً نتایج ناخوشایندی برای جامعه به ارمغان می آورد و پایه های جامعه را متزلزل می سازد. در سالهای اخیر متأسفانه به دلیل مسایل و مشکلات اقتصادی - سیاسی، فقدان سرگرمی های هیجان انگیز و نشاط آور در جامعه، اعتیاد به شبکه های اجتماعی، برخورد های نامناسب والدین با جوانان و نوجوانان که امیدهای آینده هستند باعث شده آنها از فضای صمیمانه خانواده دور بمانند و از والدین خود فاصله بگیرند. باتوجه به مطالب مطرح شده لازم است بدانید بروز یک سری تغییرات در خلق و خوی نوجوان و جوان در برهه حساسی همچون بلوغ کاملاً طبیعی است. در این مرحله بحرانی نیازهای گوناگونی از قبیل کسب هویت، خودآگاهی، استقلال عاطفی از خانواده، در کارش وجودی خویش، برقراری روابط با دوستان جدید و کسب مهارت های لازم

ما حاصل شرایط اقتصادی و گسترش فضای مجازی چیست؟

اجتماعی، منجر به بروز افسردگی، اضطراب و سایر آسیب های روانی می شود. خیلی از افراد واژه ارتباط را با حرف زدن و سخن گفتن یکی می پندارند، در حالی که باتوجه به تعریف ارتباط که پهنای وسیع و گسترده ای از انواع تعاملات را در بر می گیرد، می توان گفت حرف زدن تنها بخشی از این مفهوم پیچیده است. بدیهی است خانواده نخستین و مهمترین کانونی است که جوانه های اولیه ارتباط در آن شکوفا می گردد. حریم خانواده محیط اثرگذاری برای حفظ سلامت جامعه نیز به حساب می آید و از این منظر چگونگی روابط والدین با یکدیگر به عنوان یک واحد زبانی - اجتماعی نقش به سزایی در شکل گیری و پرورش ابعاد مختلف روحی - روانی، نگرش ها، رشد و شکوفایی مهارت های اجتماعی اعضای جدید جامعه (کودکان و نوجوانان) خواهد داشت. بنابراین

اجتماعی، منجر به بروز افسردگی، اضطراب و سایر آسیب های روانی می شود. خیلی از افراد واژه ارتباط را با حرف زدن و سخن گفتن یکی می پندارند، در حالی که باتوجه به تعریف ارتباط که پهنای وسیع و گسترده ای از انواع تعاملات را در بر می گیرد، می توان گفت حرف زدن تنها بخشی از این مفهوم پیچیده است. بدیهی است خانواده نخستین و مهمترین کانونی است که جوانه های اولیه ارتباط در آن شکوفا می گردد. حریم خانواده محیط اثرگذاری برای حفظ سلامت جامعه نیز به حساب می آید و از این منظر چگونگی روابط والدین با یکدیگر به عنوان یک واحد زبانی - اجتماعی نقش به سزایی در شکل گیری و پرورش ابعاد مختلف روحی - روانی، نگرش ها، رشد و شکوفایی مهارت های اجتماعی اعضای جدید جامعه (کودکان و نوجوانان) خواهد داشت. بنابراین

برقراری ارتباط و تعامل رفتاری هسته اصلی بسیاری از مسائل و مشکلاتی است که امروزه در روابط والد-فرزندی موج می زند. منظور از ارتباط، برقراری رابطه، ایجاد پیوند و آگاهی به صورت کلامی یا غیر کلامی، آگاهانه یا ناآگاهانه در بین انسانها است. انسانها با لفظه موجوداتی اجتماعی هستند و بدون ارتباط موثر اجتماعی، تعاملات بین فردی نمی توانند به رشد مطلوب و شکوفایی شخصیت خود دست یابند. متبلور شدن استعدادها و شکوفایی توانمندی های متعالی انسانها در حیات اجتماعی فراهم می گردد. پس بدون تردید محروم ماندن از برقراری ارتباطات مطلوب انسانی و دور ماندن از عرصه زندگی

یادداشت

فاطمه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی